ملائکه پیوسته با بال های شان او را در سایه ی خود می گیرند.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که می گوید: پیکرِ پدرم را که مُثله شده بود، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند و جلوی ایشان گذاشتند؛ من رفتم تا پارچه را از روی چهره اش کنار بزنم (و او را ببینم). اما عده ای مرا از این کار باز داشتند. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَا زَالتِ المَلائِكَةُ تُظِلُّهُ بِأَجْنِحَتِهَا»: «ملائکه پیوسته با بال های شان او را در سایه ی خود می گیرند».

[صحیح است] [متفق علیه]

پدر جابر، عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده می شود؛ و این در روز احد بوده که کفار، کشته های مسلمانان را مثله کردند تا چهره ی بدی از آنها نشان دهند. و او را در برابر رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار می دهند؛ در این میان جابر قصد دارد که پرده از صورت پدر بردارد و او را ببیند و از اینکه کفار پدرش را مثله کرده بودند، بسیار ناراحت و دردمند است. اما قومش او را از این کار بازمی دارند. و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ملائکه پیوسته با بال های شان او را در سایه ی خود می گیرند». و این جهت احترام و بزرگداشت او بود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6390